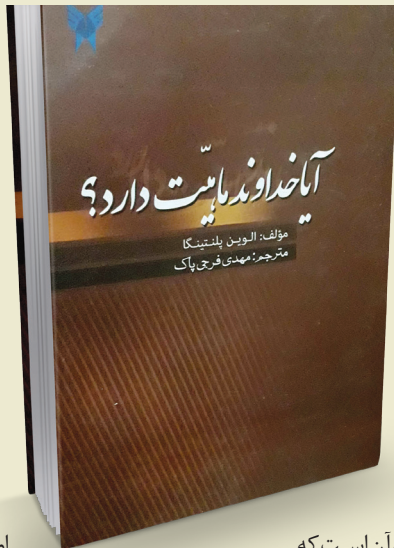


## کتابخانه کلاس آیا خداوند ماهیت دارد؟

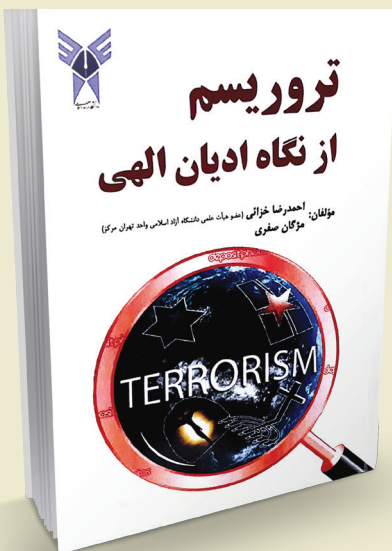
دامنه موجودات ضروری را به یک موجود واحد یعنی خداوند منحصر می‌دانند. لازمه دیدگاه فیلسوفان تحلیلی در اینجا، که بسا در نظر کسانی که با فلسفه‌های سنتی مانوس‌اند، کاملاً غریب و نامتعارف باشد، آن است که بی‌شمار، شیء واقعی (البته به صورت شیء انتزاعی) داشته باشیم که در تحقق خود وابسته به خدا نیستند؛ چون نه معلول اند و نه ممکن الوجود. بنابراین در صورت توافق با فیلسوفان تحلیلی در پذیرش اشیای انتزاعی، عدم وابستگی این امور به خداوند به‌عنوان چالشی در برابر صفت حاکمیت و اقتدار او رخ می‌نماید. از سوی دیگر پرسش مشابهی را می‌توان درباره صفات خدا و خصوصیات آنها در انداخت. آیا این حقیقت که خداوند عالم است و علم او از ویژگی نامحدود بودن بر خوردار است؛ تحت حاکمیت خداست؟ به این معنا که مثلاً او بتواند کاری کند که دیگر عالم نباشد یا آنکه علمش علمی نامحدود نباشد؟ سرانجام پرسشی اساسی تر مطرح می‌شود: آیا اگر خداوند ماهیتی داشته باشد، نفس داشتن ماهیت با حاکمیت مطلق او متعارض نیست؟ در اینجا نیز توجه به اصطلاح‌شناسی خاص پلنتینگا امری بایسته است، چرا که مراد او از ماهیت با معنای سنتی این اصطلاح متفاوت است. همان گونه که او در آثار دیگر خود متذکر شده و در ضمن یک پانوشته در مقدمه اثر حاضر نیز اشاره می‌کند، مقصود او از ماهیت با ذات، مجموع تمام صفات ذاتی یک شیء است؛ و مقصود از صفات ذاتی نیز صفاتی ضروری است که انفکاک آن از موصوف ممکن نیست. به این معنا که اگر شیئی یک صفت ذاتی خود را از دست بدهد، دیگر همان شیء نخواهد بود. با این تعبیر، مساله پیش گفته به صورت آشکارتری بروز می‌کند: اگر برای خداوند ماهیتی به معنای بالاد نظر بگیریم از آنجا که داشتن چنین ماهیتی برای او ضروری خواهد بود، پس گویا خداوند هیچ گونه تسلسلی بر ماهیت خود ندارد و این بار دیگر به معنای محدود شدن صفت حاکمیت و اقتدار مطلق او خواهد بود. به این ترتیب، پلنتینگا در این اثر با پرسش‌هایی از این دست روبرو است: آیا خداوند ماهیت دارد؟ و اگر او ماهیتی دارد آیا بین حاکمیت مطلق و ماهیت داشتن او تعارضی وجود دارد؟ اما در فصل نخست این کتاب، پلنتینگا به اثبات این مدعا می‌پردازد که پرسش‌هایی از این دست پرسش‌هایی معنادار و قابل طرح‌اند. او در این بخش به نقد دیدگاه‌هایی از جمله دیدگاه کانت می‌پردازد که مدعی‌اند ما انسان‌ها به هیچ وجه نمی‌توانیم مفاهیم ذهنی خود را بر خداوند اطلاق کنیم و بر این اساس نمی‌توان به این سوال که آیا خدا ماهیت دارد، پاسخ داد. در فصل دوم، او به بررسی این مساله می‌پردازد که «خداوند ماهیت دارد ولی ماهیتش عین اوست». این دیدگاه متعلق به فلسفه سنتی است که مورد قبول بسیاری از اندیشمندان دوران مدرسی از جمله توماس آکوئینی است و با نظر فیلسوفان مسلمان مبنی بر اینکه ماهیت خدا عین وجود اوست، مشابهت دارد. همچنین در فصل سوم، نام‌گرایی به‌عنوان پاسخ دیگری به مساله مورد بحث، مورد بررسی واقع می‌شود. اما مولف در فصل چهارم به بررسی پاسخ دیگری به مساله مورد نظر می‌پردازد. این پاسخ که بر دیدگاه دکارت استوار است «مکان‌گرایی» نامیده می‌شود. بر اساس امکان‌گرایی، هیچ حقیقت یا گزاره ضروری‌ای - به تعبیر دکارت، گزاره ازلی - در بین نیست، بلکه تمام حقایق، حقایقی ممکن‌اند. بدیهی است که در این صورت، حاکمیت خداوند نمی‌تواند از سوی حقایق ضروری به خطر افتد؛ چرا که اساساً چنین حقایقی وجود ندارد.

کتاب «آیا خداوند ماهیت دارد؟» عنوان کتابی از بویین پلنتینگاست که توسط مهدی فرجی‌پاک، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد درفول ترجمه و از سوی انتشارات این دانشگاه منتشر شده است. در پیش‌گفتار این کتاب آمده است: «بویین پلنتینگا بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان دین غربی در دهه‌های اخیر است که اندیشه‌های فلسفی خود را در حوزه فلسفه تحلیلی معاصر سامان داده است. او افزون بر نگارش آثار تئوریک در حوزه فلسفه دین، در دیگر شاخه‌های فلسفه تحلیلی معاصر نیز از جمله متافیزیک، معرفت‌شناسی و فلسفه ذهن صاحب آثار ارز‌شمنند و با اهمیتی است. در میان انبوه دیدگاه‌های بدیع و نظریه‌های عمیق پلنتینگا در حوزه‌های مختلف فلسفی، می‌توان به دفاع اختیار گرایانه در پاسخ به مساله منطقی شر و تحلیل برهان وجودشناختی (در حوزه فلسفه دین)، تعمیق و ارائه روایتی جدید از معرفت‌شناسی اصلاح‌شده (در حوزه معرفت‌شناسی و معرفت‌شناسی دینی)، طرح مباحث جدید در باب ذات‌گرایی و ضرورت و رابطه میان ضرورت شیئی و ضرورت وصفی و دفاع از بالفعل‌گرایی جدی در حوزه متافیزیک و راه‌حل تمثیلی مساله اذهان دیگر (در حوزه فلسفه ذهن) اشاره کرد. پلنتینگا در آخرین کتاب خود که در سال ۲۰۱۱ انتشار یافته، کوشیده است بر پایه نظریه تکامل، استدلالی را علیه طبیعت‌گرایی صورت‌بندی کند. او برای سالیان متمادی استاد دانشگاه نوردام بوده و پس از بازنشستگی در سال ۲۰۱۰ به کالج کالون رفته است. کتاب «آیا خداوند ماهیت دارد؟» یکی از آثار قابل توجه پلنتینگاست که به‌رغم حجم اندک، حاوی مطالب بدیع و در خور توجهی است. این کتاب حاصل سخنرانی او در سال ۱۹۸۰ در قالب سلسله سخنرانی‌های سالانه‌ای است که در دانشگاه مارکت در بزرگداشت توماس آکوئینی یکی از سرشناس‌ترین اندیشمندان مسیحی در سده‌های میانه برگزار می‌شود. همان گونه که از عنوان کتاب پیداست محور اصلی کتاب را بحثی در باب الهیات فلسفی تشکیل می‌دهد و به تعبیر دیگر مساله اصلی کتاب، مساله‌ای در حوزه فلسفه دین است. نکته مهمی که نباید از دید خواننده کتاب پنهان بماند این است که نویسنده کتاب به‌عنوان یک فیلسوف تحلیلی قرن بیستمی وارد بحث شده و از این رو چارچوب کلی اثر در فضای فلسفه تحلیلی شکل گرفته است. بنابراین، بخشی از اصول متافیزیکی و فلسفی‌ای که کمابیش مورد پذیرش فیلسوفان تحلیلی معاصر است، مفروض مباحث پلنتینگاست. همچنین مقدمه کتاب با طرح چند پرسش شکل می‌گیرد که همگی با هم مرتبط‌اند و نهایتاً در یک پرسش بنیادین گرد هم می‌آیند. می‌دانیم که خداوند (دست‌کم خدای مورد قبول ادیان ابراهیم) از صفاتی چون حاکمیت و اقتدار مطلق و قدرت نامحدود برخوردار است. با این حال، در نگاه نخست ممکن است برخی حقایق با این صفات ناهمخوان به نظر آیند. یکی از این حقایق، وجود اشیای یا هویات انتزاعی است. در اینجا رویکرد تحلیلی پلنتینگا کاملاً مشهود است. امروزه گروه قابل توجهی از فیلسوفان تحلیلی از وجود اشیای انتزاعی طرفداری می‌کنند. در نظر اینان اموری چون صفات، وضعیت‌های گزاره‌ها و اعداد، هوایاتی انتزاعی‌اند. ویژگی مشترک این هویات، در مقابل اشیای عینی و محقق، آن است که اولاً زلی و ابیدی‌اند، دوماً از وجود ضروری برخوردارند، سوماً به هیچ وجه در روابط علی واقع نمی‌شوند؛ یعنی نه علت چیزی‌اند و نه معلول چیزی. همان گونه که ملاحظه می‌شود این دیدگاه کاملاً مخالف دیدگاه نظام‌های سنتی، فلسفی از جمله فلسفه اسلامی است که عموماً



### ترور یسم از دیدگاه ادیان الهی

«کتاب ترور یسم از دیدگاه ادیان الهی» عنوان اثری است که مولفان آن احمد رضا خزانی عضو هیات علمی واحد تهران مرکزی و مزگان صفری هستند. در مقدمه کتاب آمده است: «احیای فعالیت‌های تروریستی برای حمایت از مقاصد و اهداف مذهبی، یکی از چشمگیرترین و غیرمنتظره‌ترین رخداد‌های دهه‌های گذشته تاکنون به حساب می‌آید.» در ادبیات دینی، این پدیده با عناوینی چون ترور یسم مقدس یا مذهبی توجیه شده است. در هندوستان تروریست‌های سیک از سال‌ها پیش در تلاش برای ایجاد یک حکومت مستقل بوده‌اند. در سرزمین‌های اشغالی، موعودباوران یهودی، فعالیت‌هایی را با عنوان طرح «معبد حضرت سلیمان» سازماندهی کردند. این طرح در واقع توطئه‌ای بود برای تخریب زیارتگاه‌های مقدس مسلمانان که بر بقایای معبد دوم، یعنی مقدس‌ترین مکان یهودیان، ساخته شده است. عاملان این طرح امیدوار بودند پس از آن بتوانند معبد سوم را نیز بنا کنند، به عقیده آنها این کار، ظهور ناجی موعود بنی اسرائیل را شتاب می‌بخشد. دیگر گروه‌های معتقد یهودی نیز ویژگی سکولار حکومت صهیونیست‌ها را بارها مورد حمله قرار داده‌اند؛ حتی در آمریکا که میدان فعالیت‌های تروریستی در دهه اخیر کاهش نسبی داشته و عناصر ترور یسم مذهبی همچنان فعال هستند. عوامل بمب‌گذاری در کلینیک‌های سقط جنین همواره به کتاب مقدس استناد می‌کنند. تاکنون، چندین گروه تروریستی با الهام از موعود باوری کتاب مقدس، اعلام موجودیت کرده‌اند. موارد مشهور این گروه‌ها عبارتند از: میثاق شمشیر دست خدا و انجمن دینی؛ هر چند این پدیده از سوی بسیاری از عموم مورد توجه قرار گرفته است، تا به حال هیچ کس در صدد متمایز کردن ویژگی‌های ترور یسم مقدس از انواع سیاسی



یا سکولار آن برنیا شده است. از یک دهه پیش تاکنون، بسیاری از مردم از مشاهده اینکه هر کس که با مقاصد مذهبی در صدد کشتن دیگران بر آمده، بیزار شده‌اند؛ شاید به همین علت است که مفهوم ترور یسم مذهبی کمتر مورد بحث و توجه قرار می‌گیرد. اما فصل اول کتاب مرکب از سه مبحث در قالب کلیات است. در فصل دوم ترور یسم از دیدگاه اسلام در سه مبحث تنظیم شده و در فصل سوم ترور یسم از دیدگاه مسیحیت رادر قالب دو فصل مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل چهارم این اثر هم ترور یسم از دیدگاه آیین یهود مورد بررسی قرار گرفته است. ناشر این کتاب دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.